



در انتخابات کنگره، جمهوری خواهان با حامیان خارجی شان در برابر دموکرات‌ها صف‌آرایی کردند

وضعیت حساس کنونی



فرهیختگان محمدبن سلمان ولیعهد سعودی عزم خود را جزم کرده تا دموکرات‌ها تکه‌پاره کند و نگذارد آنها در انتخابات هشتم نوامبر (۱۳ آبان) به پیروزی برسند. او یک‌بار دیگر اراش را در دست گرفته است. دفعه قبل ۴ سال و یک ماه و یک روز پیش بود که به دستور او، «جمال خاشقچی» ستون نویس سعودی روزنامه واشنگتن پست در درون ساختمان کنسولگری عربستان در استانبول، باره تکه‌تکه شد. هرچند این جنایت، چهره واقعی او را افشا کرد اما حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید، مانع از آن شد که ولیعهد جوان وبی تجربه سعودی، متحمل تبعات این اقدامش شود. شاید اگر در این سال‌ها دموکرات‌ها می‌توانستند بن سلمان را ادب کنند و سر جای خودش بنشانند، او چنین جسارتی پیدا نمی‌کرد یا ره به جان جو بایدن در کاخ سفید بیفتد و بخواهد با اثرگذاری بر انتخابات کنگره، به حکومتش در سال ۲۰۲۴ بر آمریکا پایان دهد.

وال استریت‌ژورنال اخیرا گزارش داده که ولیعهد سعودی «در خلوت بایدن را مسخره می‌کند، گاف‌های این مرد ۷۹ ساله را مسخره می‌کند و هوش ذهنی او را زیر سوال می‌برد» و ترجیح می‌دهد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق، قدرت را در دست بگیرد. شاید همین عامل هم باعث شد تا با وجود درخواست دولت بایدن، عربستان و امارات، تنها یک ماه قبل از انتخابات میسان‌دوره‌ای آمریکا با تصمیم او یک بسرای کاهش ۲ میلیون بشکه‌ای نفت، همراهی کنند. پس از اعلام این خبر مقامات کاخ سفید آن را اقدامی خصمانه خواندند و خط‌ونشان‌های کم‌اثر کشیدند و گفتند که دولت (بایدن) در حال «ارزیابی مجدد» روابط عربستان است. استدلال سعودی‌ها این بود که کاهش قیمت نفت خام به ۸۰ دلار در هر بشکه، کاهش عرضه نفت را الزامی کرده بود. در آمریکا اما دموکرات‌ها این پاسخ را برنتابیدند و این تصمیم را تلاش عربستان برای مداخله در انتخابات ایالات متحده دانستند. این تصمیم در اوج فصل انتخابات ایالات متحده که با خشم عمومی نسبت به قیمت‌های بالای بنزین همراه است انجام شده و دموکرات‌ها آن را یک حرکت حزبی می‌دانند. «کن کلیپنشتاین»، روزنامه‌نگار در مقاله‌ای که توسط The Intercept در ۱۱ اکتبر منتشر شد افزایش قیمت نفت را از نظر سیاسی برای دولت عربستان سعودی سودمند دانست، چراکه این رژیم «ترجیح می‌دهد جمهوری خواهان به‌جای دموکرات‌ها کنترل دولت‌فدرال ایالات متحده را در دست داشته باشند.»

اما چرا باید محمدبن‌سلمان با وجود تمام ماجراجویی‌های ساده لوحانه، ریسکی در این حد و اندازه انجام دهد؟ جدا از این، چگونه امارات متحده عربی حاضر شده است در این ماجرا با او همراهی کند؟ برخلاف گذشته، فضای سیاسی در آمریکا به سمت یک دوقطبی شدید میل کرده است و در حاشیه جنوبی خلیج فارس این موضوع درک شده است. عدم مخالفت امارات و عربستان با کاهش دومیلیون بشکه نفت از این رو بود که ریاض ابوظبی به این جمع‌بندی رسیده بودند که با این تصمیم با کلیت آمریکا درگیر نمی‌شوند، بلکه این امر اقدامی در چهارچوب تلاش برای اثرگذاری بر روندهای سیاسی این کشور و حمایت از جمهوری خواهان است. قیمت بالای انرژی، منجر به کاهش

اقبال مردم آمریکا به حزب حاکم این کشور می‌شود. این افزایش قیمت‌ها به دلیل مواجهه تند دولت موکرات با روسیه و اعمال تحریم علیه مسکو بوده است. افکار عمومی آمریکا معتقدند که دونالد ترامپ روابط کم‌تنشسی با روسیه و روابط بسیار خوبی با کشورهای خلیج فارس دارد و اگر به قدرت بازگردد می‌تواند بر بسیاری از این مشکلات فائق آید.

در سوی دیگر جمهوری خواهان برنامه‌های وسیع‌تری را در حوزه خارجی برای ایجاد تغییرات در داخل آمریکا پیگیری می‌کنند. در ماه‌های اخیر ویکتور اوربان، نخست‌وزیر راست‌گرای مجارستان که طرفدار ترامپ است با انتقاد از بایدن تاکید کرده بود ترامپ در صورت بازگشت می‌تواند از طریق مذاکره با روسیه به جنگ و بحران‌های ناشی از آن پایان دهد. اوربان در نشست‌ی سخنان بایدن در ماه مارس در توصیف پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به‌عنوان «جنایتکار جنگی»

و بیان اینکه «اونمی‌تواند در قدرت بماند» را زیاد روری دانست. در داخل کنگره نیز شکاف‌ها درباره سیاست خارجی حتی در مساله اوکراین نیز در حال تقویت است. این کشور از آغاز جنگ اوکراین تا کنون ۶۷ میلیارد دلار کمک به این کشور را تصویب کرده است. براساس گزارش موسسه کیل که حمایت از اوکراین را دیابی می‌کند، واشنگتن در فاصله ژانویه تا اکتبر ۲۶٫۸ میلیارد دلار کمک نظامی کرده است که چندین برابر انگلیس به‌عنوان دومین کمک‌کننده بزرگ است. در ماه مه سال جاری هنگامی که بسته مکمل ۴۰ میلیارد دلاری اوکراین در کنگره به رای گذاشته شد شکاف‌های سیاسی به شکل پررنگ‌تری پدیدار

شد. ۵۷ نماینده جمهوری خواه در مجلس نمایندگان آمریکا به این‌سن طرح رای منفی دادند درحالی‌که ۱۴۹ عضو دیگر با آن همراهی کردند. در مجلس سننا نیز ۱۱ سناتور جمهوری خواه به این طرح رای منفی دادند و ۳۹ سناتور دیگر این حزب نظر مثبتی نسبت به آن ابراز داشتند. این اقدام در حالی بود که در نمونه‌های مشابه برای حمایت از اوکراین یا گرجستان افراد کمتری در حزب جمهوری خواه با طرح‌های کمک مخالفت کرده بودند. حزب جمهوری خواه که به‌طور سنتی با مداخله نظامی در جهان موافق است در سال‌های اخیر با جریانی انزواگرا روبرو شده است که در سال ۲۰۱۶، نماینده عالی ترامپ به قدرت راه یافت.

این گروه هرچند فعلا در اقلیت قرار دارد اما چندانکه نشان دهنده احتمال جدی تغییر وضعیت است. نخست آنکه تعداد اعضای این اقلیت نسبت به ماه‌های گذشته رشد داشته و آرای مخالف نسبت به لویاح کمک از ۱۷ و ۱۹ به ۵۷ مورد افزایش یافته و شاهد رشدی سه‌برابری بوده است. از سوی دیگر این جریان از حمایت ترامپ بهره می‌برد که ورود خود به منازعه را کلیدزده است. در سمت سوم نیز با طولانی شدن جنگ و افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی در کنار افزایش هزینه‌های جنگ، مخالفت با کمک به اوکراین درحال اوج‌گیری است. تلاش روزهای اخیر دونالد ترامپ برای پرهیز از انتقاد نسبت به عربستان سعودی، گمانه‌ها درباره یک گاوپندی بین اووبن سلمان را تقویت کرده است. ترامپ در پاسخ به سوالی پیرامون کرانامه حقوق بشری عربستان سعودی، حاضر به انتقاد از ریاض نشده

و گفته بود «آمریکا هم مشکلات حقوق بشری دارد.» ترامپ این پاسخ را پس از افزایش انتقادات از میزبانی ورزشگاه‌هایش از مسابقات حرفه‌ای گلف عربستان مطرح کرد. او در پایان دور اول مسابقاتی که در زمین گلف او در میامی برگزار شد، از این تصمیم دفاع کرد و گفت که «به میزبانی دوباره این مسابقات فکر نکرده است، ترامپ تاکید کرد که گفت‌وگوهایش با مقامات سعودی او راقانع کرده است که میزبانی از مسابقات قهرمانی گلف «برای آنها بسیار مهم است» و آنها تلاش و پول زیادی را برای این منظور خرج می‌کنند.»

صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان

صندوق سرمایه‌گذاری عربستان سعودی (PIF) یکی از اصلی‌ترین ابزارهای این کشور برای تزریق مالی به پروژه‌های سیاسی از جمله در فضای بین المللی است. این صندوق که در سال ۱۹۷۱ تاسیس شده است درآمدهای نفتی عربستان سعودی را در پروژه‌های اقتصادی داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری می‌کند. اغلب کشورهای نفتی در جهان که دارای درآمدهای مازاد هستند، از چنین صندوق‌هایی بهره می‌برند. در کنار عربستان، کشورهای دیگری نیز دارای صندوق‌های مشابهی هستند. در اروپا کشور که جمعیت نرؤ که صادرات بالایی در حوزه نفت و گاز دارد، دارای بزرگ‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری جهان است. این صندوق ۱٫۳ تریلیون دلار در ۹ هزار شرکت در جهان سرمایه‌گذاری کرده است. صندوق سرمایه‌گذاری کویت با ۶۷۰ میلیارد دلار

ترجمه

از دوران جنگ سرد و مخصوصا پس از فروپاشی شوروی سابق، مباحث مربوط به قدرت نرم جایگاهی مهم در ادبیات روابط بین الملل پیدا کرده است. بر همین اساس

است که سیاست‌های هرکشور در نظام بین الملل بر اساس قدرت نرم نیز سنجیده می‌شود. تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از نظام سوریه در بحران داخلی این کشور یکی از سیاست‌هایی بوده که موفق شده تا جایگاهی مطلوب برای فعالیت جمهوری اسلامی ایران در سوریه فراهم سازد. دکتر علی اکبر، استاد دانشگاه ملبورن استرالیا، در مقاله حاضر که در ژورنال آکادمیک Mediterranean Politics منتشر شده است، به بررسی حضور و فعالیت‌های مربوط به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سوریه پرداخته است. در ادامه این مقاله را می‌خوانید.

بیش‌تر آثاری که روابط ایران و سوریه را مخصوصا پس از آغاز جنگ داخلی مورد بررسی قرار داده‌اند، بر قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای نظامی مورد استفاده توسط آن تاکید کرده‌اند؛ برای پوشش این خلأ پژوهشی، مقاله حاضر بر آن است تا به بررسی راهبردهای قدرت افکنی نرم ایران در سوریه بپردازد. در این مقاله براساس سنت پایه‌گذاری شده توسط جوزف نای، ابزارهای مورد استفاده توسط دولت جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای جذابیت فرهنگ، زبان و عناصر سیاست خارجی ایران در منظر دولت و مردم سوریه مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ البته با این تفاوت که نظر به نای سکولار است و در آن به عنصر مذهب توجه نشده اما مذهب شیعه نقشی اساسی در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد.

قدرت نرم ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی‌بر میراث تمدنی و زبان فارسی بود؛ کمالینکه شاه چندین مرکز فرهنگی به نام «خانه فرهنگ» در بخش‌های مختلف پاکستان تاسیس کرد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی این اسلام و تشیع بود که به دال مرکزی قدرت نرم ایران تبدیل شد و نمود اولیه آن در بین شیعیان پاکستان و هزاره‌های افغانستان تجلی یافت. پس از جنگ ایران-عراق و جنگ اول خلیج فارس و مخصوصا پس از به قدرت رسیدن دولت احمدی‌نژاد، سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در حوزه قدرت نرم افزایش یافت؛ کمالینکه طی یک‌سال پس از نبرد حزب‌الله با رژیم‌صهیونیستی در سال ۲۰۰۶، جمهوری اسلامی ایران در پویش خود برای « تسلط بر قلوب

ایران به موازات حمایت موفق نظامی از دولت سوریه، قدرت نرم خود را نیز در این کشور گسترش داده است

دست بالای مقاومت در شام

می‌شود. ایران همچنین دست به تاسیس چندین مرکز فرهنگی در استان سنی نشین دیرالزور سوریه زده است که در آنها درکنار تبلیغ مذهب تشیع به آموزش زبان فارسی می‌پردازد.

۲ گسترش مذهب تشیع در سوریه

در سال ۲۰۱۴ و با حمایت ایران و حزب‌الله، سازمانی به نام «پیشاهنگان امام مهدی» که از دهه ۸۰ میلادی و با محوریت حزب‌الله، فعالیت‌های خود را در لبنان آغاز کرده بود، کار خود را در دمشق نیز آغاز کرد. اگرچه عمده فعالیت این گروه نظامی است اما در بسیاری از فعالیت‌های مربوط به گسترش فرهنگ شیعه در سوریه نیز بسیار فعال است. مخاطب هدف عمده این سازمان را جوانان تشکیل می‌دهند و اعضای آن را بیش‌تر افراد ۸ تا ۱۶ ساله تشکیل می‌دهند. در مقطع زمانی پس از سال ۲۰۱۱ تهران ۴۰ مدرسه شیعه خصوصی را در دمشق تاسیس کرده است و دانشگاه‌های مذهبی ایران مانند فارابی، المصطفی و دانشگاه اصول شعب خود را در دمشق افتتاح کرده‌اند و به ارائه دروس مذهبی شیعی می‌پردازند. مرکز رسول اعظم نیز در دیرالزور بسیار فعال است و با آوردن مبلغان ایرانی به این منطقه به تدریس و گسترش تشیع می‌پردازد. چندین حسینیه نیز در دیرالزور تاسیس شده‌اند و به‌علاوه ایران در سالیان اخیر تعداد زیادی از خانوارهای شیعی را در این منطقه مستقر کرده است.

۳ خدمات اجتماعی

یکی دیگر از جنبه‌های فعالیت ایران در سوریه ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان سوری بوده که معمولا در قالب بازسازی مدارس و بیمارستان‌ها، ساخت مسکن و اعطای وام به سوری‌های نیازمند انجام گرفته است. در سال ۲۰۱۵، جهادسازندگی ایران شعبه‌ای در سوریه را افتتاح کرد و دست به انجام چندین پروژه زد که ازجمله آنها می‌توان به ساخت مسکن برای سوری‌های آواره اشاره کرد. جهادسازندگی همچنین بیمارستانی در دیرالزور تاسیس کرد و مسئولیت بازسازی چندین مدرسه ویران شده در حلب را برعهده گرفت. تنها در یک مورد در سال ۲۰۱۷، ۳۵ مدرسه توسط ایران در حومه دمشق بازسازی شده‌اند.

ساخت مسکن برای سوری‌ها توسط ایران در این مدت ادامه داشته است و مثلا

و صندوق سرمایه‌گذاری ابوظبی با ۶۳۰ میلیارد دلار نمونه‌های دیگر صندوق‌های بزرگ سرمایه‌گذاری دولتی در جهان هستند. آنچه صندوق سرمایه‌گذاری عربستان را متفاوت‌تر از دیگر صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌سازد، رویکردهای سیاسی آن است. عربستان سعودی زمانی که متوجه‌شده مسایگان نفتی‌اش از طریق سرمایه‌گذاری صندوق‌های مالی خود درحال افزایش نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود هستند، به فکر تغییر راهبردش در این خصوص افتاد. سعودی‌ها هرچند برای تحت‌تاثیر قرار دادن کشورهای فقیر می‌توانستند از طریق کمک‌های مالی مستقیم، رفتار آنها را هدایت کنند اما حرکت در غرب قواعد خود را داشت. بر همین اساس محمدبن سلمان ولیعهد عربستان سعودی پس از به قدرت رسیدن پدرش و قرار گرفتن امور زمام در دستش، تلاش کرد تا صندوق سرمایه‌گذاری کشورش را به‌شدت تقویت کند.

آژانس رتبه‌بندی خدمات سرمایه‌گذاری مودی می‌گوید ارزش دارایی‌های این صندوق در سال ۲۰۱۵ یعنی همان سالی که بن‌سلمان به قدرت رسید ۱۵۲ میلیارد ارزش داشته اما در سال ۲۰۲۰ ارزش آن به ۴۱۲ میلیارد دلار رسیده بود. هم‌اکنون ارزش دارایی‌های PIF، ۶۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

بن‌سلمان در سال‌های اخیر هر چند کشورش دچار مضیقه مالی به علت جنگ در یمن بوده است اما کوشیده دارایی‌های بخش‌های مختلف کشورش را به سمت این صندوق هدایت کند. اوبالغ به‌دست‌آمده از فروش شرکت نفتی آرامکو را به این شرکت منتقل کرده است. بن‌سلمان همچنین پس از پاک‌سازی‌های ضدفساد در سال ۲۰۱۷، دارایی‌های ضبط‌شده ۴۰۰ تروتمند سعودی را در اختیار صندوق سرمایه‌گذاری عربستان قرار داد.

PIF با افزایش سرمایه صورت‌گرفته ضمن ایفای نقش در داخل عربستان برای سرمایه‌گذاری جهت تقویت اقتصاد غیرنفتی این کشور، در خارج از خاک سعودی نیز برای پیشبرد امور سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

PIF در سال ۲۰۲۱ نیز تنها شش ماه پس از خروج ترامپ و جارد کوشنر داماد وی از کاخ سفید، ۲ میلیارد دلار در بنیاد مالی «افینیتی پارتنرز»، که کمتر از یک سال از زمان تاسیسش می‌گذشت، سرمایه‌گذاری کرد. این بنیاد متعلق به جارد کوشنر

است که در زمان ریاست‌جمهوری پدرزنش مشاور وی بود. او در این دوره نقش بزرگی در انعقاد قرارداد بزرگ ۱۱۰ میلیارد

دلاری فروش اسلحه به عربستان داشت. ریاض از طریق صندوق سرمایه‌گذاری خود موفق شد به‌صورت غیرمستقیم دستمزد

کارچاق کن سابق خود را به حساب او واریز کند.

اقدامات بحث‌برانگیز عربستان در این زمینه باعث شده تا پس از آنکه ایلان ماسک شبکه اجتماعی توئیتر را خریداری کرد، کریس مورفی، سناتور مشهور دموکرات از ا کمیته مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، در آمریکا (CFIUS) – که خریدهای مربوط به تجارت‌های آمریکایی توسط خریداران خارجی را بررسی می‌کندبخش‌ها دنا درخصوص مالکیت عربستان سعودی بربخشی از توئیتر تحقیقاتی را صورت دهد. او می‌خواهد درخصوص پیامدهای امنیت ملی مالکیت عربستان سعودی در بخشی از توئیتر را بررسی کند.

در فوریه ۲۰۲۰ ایران اعلام کرد که سه‌هزار مسکن در سوریه خواهد ساخت که توسط سه شرکت دولتی ایرانی انجام خواهد شد. در دوران جنگ سوریه، ایران همواره محموله‌های پشتیبانی خود را به این کشور ارسال می‌کرد؛ کمالینکه مثلا در سال ۲۰۱۶ محموله‌ای مشتمل بر ۴۰۰ چادر، چهارهزار پتو، ۳۰ تن برنج و … به شهر حلب ارسال شد. در حوزه بهداشت و درمان نیز ایران در اکتبر ۲۰۱۸ متعهد شد تا صادرات تجهیزات پزشکی خود را به سوریه ۱۰ برابر کند. در دوران همه‌گیری کرونا نیز ایران چندین مرکز درمانی در دیرالزور تاسیس کرد که به اقداماتی از قبیل ارائه ویتامین ث و ماسک به مردم پرداختند. در آگوست ۲۰۲۰ نیز سفیر ایران در سوریه تایید کرد که دولت سوریه یک محموله مشتمل بر مواد درمانی و بهداشتی مخصوصا در حوزه مقابله با کرونا را دریافت کرده است.

۴ نفوذ در حوزه اقتصادی

از دیدگاه‌نای، قدرت اقتصادی در حوزه قدرت سخت طبقه‌بندی می‌شود اما شکی نیست که می‌توان از آن برای گسترش قدرت نرم استفاده کرد. میزان تجارت دوجانبه ایران و سوریه در سال ۲۰۱۵ بیش از یک‌میلیارد دلار بوده است که ۹۵ درصد آن را صادرات ایران به سوریه تشکیل می‌دهد. ایران همچنین از سال‌های اول جنگ داخلی اقدام به صادرات نفت به سوریه کرده است.

پروژه‌های تولید انرژی یکی از ستون‌های اصلی راهبرد اقتصادی ایران در سوریه را تشکیل می‌دهند. در آگوست ۲۰۱۷ طی توافقنامه‌ای که بین وزرای نیروی ایران و سوریه منتشر شد، دوطرف در مواردی مانند بازسازی نیروگاه‌های تخریب شده و ساخت پنج نیروگاه گازی جدید در حلب توافق کردند. تا پایان سال ۲۰۱۸ ایران [تجهیزات] ۹۰۰ مگاوات برق به سوریه صادر کرد. طی قرارداد دیگری در سال ۲۰۱۷، شرکت مبین وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنده مناقصه ساخت شبکه‌های تلفن همراه در سوریه شد؛ این درحالی بود که همین شرکت در سال ۲۰۱۰ این مناقصه را به شرکت‌های اماراتی و فرانسوی واگذار کرده بود؛ پس از سفر سال ۲۰۱۹ بشار اسد به تهران، مدیریت بندر لاذقیه به ایران واگذار شد که یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مرتبط بر آن ساخت یک خط آهن بندر امام خمینی (ره) و بندر لاذقیه است؛ امری که یکی از منافع مترتب بر آن سود اقتصادی و همچنین رونق توریسم مذهبی بین سوریه، عراق و ایران خواهد بود.

در مقام نتیجه‌گیری مولف معتقد است که ایران طی چندسال گذشته سرمایه‌گذاری زیادی برای گسترش قدرت نرم خود در سوریه انجام داده تا بتواند اذهان و قلوب مردم این کشور را تسخیر کند؛ فعالیت ایران در این مسیر عمدتا در قالب‌های اجتماعی و اقتصادی نمود یافته است.